

گذشته نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی

دکتر ایران کلباسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

درباره وجود شناسه سوم شخص مفرد در ستاک گذشته افعال ایرانی و استفاده از اسم مفعول به جای ستاک گذشته در بعضی از لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی اینجانب دو مقاله با عنوان‌های «شناسه سوم شخص مفرد در مصادر فارسی» و «تحلیل فعل ایرانی با دیدی نو» به رشته تحریر درآورده‌ام که اولی در مجله فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی) انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است.

در مقاله اول به این نتیجه رسیدم که چون گونه‌ای از شناسه سوم شخص مفرد در ستاک گذشته افعال ایرانی وجود دارد شناسه سوم شخص مفرد در زمان گذشته ساده کلیه افعال ایرانی صفر (Ø) می‌باشد، مانند raft-Ø «رفت» در فارسی معیار و در مقاله دوم این نتیجه حاصل شد که آن دسته از گویش‌های ایرانی که سوم شخص مفرد زمان گذشته ساده را با شناسه صفر به کار نمی‌برند در حقیقت به جای ستاک گذشته از اسم مفعول استفاده می‌کنند، مانند buxurd-e «خورد» در گیلکی رشت).

در ارتباط با موضوع مقاله دوم باید گفت غالب نوشته‌هایی که تاکنون درباره ساخت فعل در گویش‌های کرانه دریای خزر به رشته تحریر درآمده حاکی از آن است که در بعضی از این گویش‌ها گذشته نقلی وجود ندارد و گویشوران آنها برای بیان گذشته نقلی از گذشته ساده استفاده می‌کنند.

نگارنده در مقاله حاضر با دسته‌بندی انواع ساخت‌های زمان گذشته ساده و گذشته نقلی در *S. لهجه و گویش ایرانی در نظر دارد به این نتیجه دست یابد که گویش‌های مورد اشاره برعکس آنچه تصور می‌شود در حقیقت برای بیان گذشته ساده از گذشته نقلی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر این گونه گویش‌ها گذشته نقلی دارند ولی گذشته ساده ندارند. در زیر در ابتدا ساخت گذشته ساده و گذشته نقلی را در فارسی میانه به‌طور مختصر بیان می‌کنیم، سپس انواع ساخت گذشته ساده و گذشته نقلی را در لهجه‌ها و گویش‌های مورد بررسی ارائه می‌دهیم و در پایان به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

۱- ساخت گذشته ساده و گذشته نقلی در فارسی میانه

در فارسی میانه، زمان گذشته ساده در افعال لازم با کمک فعل *h-* (بودن) ساخته می‌شده و در افعال متعدی ساخت ارگتیو^۱ به‌کار برده می‌شد:

* - لهجه‌ها و گویش‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: ایبانه، افتری، بافتی، بندرعباسی، بلوچی لاشاری، تاتی تاکستان، تاتی نیگی امام، تالشی طاسکوه ماسال، تالشی میرزانق اردبیل، تویسرکانی، جیرفتی، حاجی‌آبادی، خوانساری، دری زردشتی یزدی، دلیجانی، دماوندی، زابلی، زرنندی، سبزواری، سمنانی، سیرجانی، شاهرودی، فارسی اصفهانی، فارسی تهرانی، فارسی تاجیکی، فارسی معیار، قاینی، کاخکی، کردی روستای حریر، کردی سندج، کردی کرمانشاه، کردی کلیائی، کردی مهاباد، کلیمی اصفهانی، کلیمی همدانی، کلیمی بروجرد، گیلکی املشی، گیلکی حسن کیاده، گیلکی دستک، گیلکی رشت، لاری، لاری خنجی، لری بختیاری اردل، لری بختیاری مسجد سلیمان، لری بویراحمد، لری بهبهانی، لکی خواجهوندی کلاردشت، لکی دره شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لنجانی، مازندرانی آمل، مازندرانی تنکابن، مازندرانی ساری، مازندرانی سوادکوهی، مازندرانی کلاردشت، نائینی، نجف‌آبادی، واران، ورامین (گونه پیشوا)، همدانی.



۱-۱-	Raft	hēm	رفتم
	raft	hē	رفتی
	raft	ø	رفت
	raft	hēm	رفتیم
	raft	hēd	رفتید
	raft	hēnd	رفتند
۱-۲-	um	dīd	دیدم
	ut	dīd	دیدی
	uš	dīd	دید
	umân	dīd	دیدیم
	utân	dīd	دیدید
	ušân	dīd	دیدند

گذشته نقلی افعال لازم در فارسی میانه^۲ با فعل کمکی estâdan (ایستادن) ساخته می‌شده و

گذشته نقلی افعال متعدی نیز به کمک همین فعل و با ساخت ارگتیو بیان می‌شده است:

۱-۳-	raft	estēm	رفته‌ام
	raft	estē	رفته‌ای
	raft	estēd	رفته است
	raft	estēm	رفته‌ایم
	raft	estēd	رفته‌اید
	raft	estēnd	رفته‌اند



۱-۴-	um	Dīd	estēd	دیده‌ام
	ut	Dīd	estēd	دیده‌ای
	uš	Dīd	estēd	دیده است
	umân	Dīd	estēd	دیده‌ایم
	utâ	Dīd	estēd	دیده‌اید
	ušân	Dīd	estēd	دیده‌اند

۲- انواع ساخت گذشته ساده در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز

ساخت گذشته ساده را در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی مورد بررسی به انواع زیر تقسیم می‌کنیم:

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۲-۱-

(سوم شخص مفرد) Ø + ستاک گذشته + پیشوند

این ساخت را در گویش‌های قاینی، تاتی نیگی امام، سبزواری، شاهرودی، گیلکی املشی و دماوند در افعال لازم و متعدی و در گویش‌های کلیمیان اصفهان و خوانساری در افعال لازم می‌توان مشاهده کرد:

bo- fruxt-om	فروختم (قاینی)
Bo-fruxt-Ø	فروخت (قاینی)
Be-xerd-em	خوردم (تاتی نیگی امام)
Be-xerd-Ø	خورد (تاتی نیگی امام)
Bo-xârd-om	خوردم (سبزواری)
Bo-xârd-Ø	خورد (سبزواری)
Bo-xord-om	خوردم (شاهرودی)
Bo-xord-Ø	خورد (شاهرودی)
Bu-xond- m	خواندم (گیلکی املشی)

Bu-xond-ø	خواند (گیلکی املشی)
Be-gartâ-um	گشتم (کلیمیان اصفهان)
Be_gartâ-ø	گشت (کلیمیان اصفهان)
Be-resâ-n	رسیدم (خوانساری)
Be-resâ-ø	رسید (خوانساری)
۲-۲-	شناسه + ستاک گذشته + پیشوند

(سوم شخص مفرد) جنس مونث / ø + ستاک گذشته + پیشوند

این ساخت را در گویش‌های دلیجان، ایبانه، تاتی تاکستان، سمنانی و واران‌ی در افعال لازم

می‌توان یافت:

ba-šd-on	رفتم (دلیجان)
ba-šd-ø	رفت مذکر (دلیجان)
ba-šd-a	رفت مؤنث (دلیجان)
ba-št-on	رفتم (ایبانه)
ba-št-ø	رفت مذکر (ایبانه)
ba-št-a	رفت مؤنث (ایبانه)
ba-niš-t-em	نشستم (تاتی تاکستان)
ba-niš-t-ø	نشست مذکر (تاتی تاکستان)
ba-niš-t-ε	نشست مؤنث (تاتی تاکستان)
ba-ši-yun	رفتم (سمنانی)
ba-šâ-ø	رفت مذکر (سمنانی)
ba-ši-ya	رفت مؤنث (سمنانی)
hâ-xot-om	خواهیدم (وارانی)
hâ-xot-ø	خواهید مذکر (وارانی)
hâ-xot-a	خواهید مؤنث (وارانی)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۲-۳-

(سوم شخص مفرد) +ak/ø ستاک گذشته + پیشوند

این مورد در گویش زابلی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

ba-froxt-o فروختم (زابلی)

ba-froxt-ak/ø فروخت (زابلی)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته ۲-۴-

(سوم شخص مفرد) +ak/ø ستاک گذشته

این مورد در لهجه ورامین (گونه پیشوا) دیده شده است و در افعال لازم و متعدی به کار

می‌رود:

goft - om گفتم (ورامین)

goft - ak/ø گفت (ورامین)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته ۲-۵-

(سوم شخص مفرد) +ø ستاک گذشته

این ساخت را در غالب لهجه‌ها و گویش‌های مورد بررسی مانند اصفهانی، بافتی، بلوچی اشاری، بندرعباسی، تاجیکی، تویسرکانی، تهران، جیرفتی، حاجی‌آبادی، خنجی، خوانساری، دری زردشتی، زرنندی، کردی کرمانشاه، کردی کلیائی، کردی سنندج، کردی مهاباد، لاری، لری بختیاری اردل، لری بختیاری مسجد سلیمان، لری بویراحمد، لری بهبهانی، لکی خواجه‌وندی کلاردشت، لکی دره‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لنجانی، نائینی، نجف‌آبادی و همدانی می‌توان یافت که در بعضی تنها افعال لازم به کار می‌رود و در بعضی دیگر هم در افعال لازم و هم در افعال متعدی کاربرد دارد. در اینجا تنها به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

nešt- om نشستم (بندرعباسی)

nešt- ø نشست (بندرعباسی)

nešt- om نشستم (جیرفتی)

nešt- ø نشست (جیرفتی)

(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») a + شناسه + ستاک گذشته ۲-۶-

(سوم شخص مفرد) a + Ø + ستاک گذشته

این مورد در گویش تالشی طاسکوه ماسال در افعال لازم دیده شده است:

šī-m-a رفتم (تالشی طاسکوه ماسال)

šī-Ø-a → ša رفت (تالشی طاسکوه ماسال)

(۶ شخص) (گونه‌ای از «راست») a + ضمیر + ستاک گذشته ۲-۷-

این مورد نیز در گویش تالشی طاسکوه ماسال در افعال متعدی دیده شده است:

vīnd-m-a دیدم (تالشی طاسکوه ماسال)

vīnd-š-a دید (تالشی طاسکوه ماسال)

(۶ شخص) ضمیر + ستاک گذشته ۲-۸-

این ساخت در گویش‌های جیرفتی، لکی دره‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لری بهبهانی، کردی روستای حریر، کردی مهاباد، کردی سنندج و بلوچی لاشاری دیده شده و مخصوص افعال متعدی است:

xoward-om خوردم (جیرفتی)

xoward-i خورد (جیرفتی)

howârd- m خوردم (لکی دره‌شهر)

howârd-i خورد (لکی دره‌شهر)

wârd-em خوردم (لکی کاکاوندی قزوین)

wârd-e خورد (لکی کاکاوندی قزوین)

dit-am دیدم (لری بهبهانی)

dit-ay دید (لری بهبهانی)

xwârd-em خوردم (کردی روستای حریر)

xwârd-i خورد (کردی روستای حریر)

hēnâ-m	آوردم (کردی مهاباد)
hēnâ-y	آورد (کردی مهاباد)
xwârd-em	خوردم (کردی سنندج)
xwârd-i	خورد (کردی سنندج)
wart-om	خوردم (بلوچی لاشاری)
Wart-i	خورد (بلوچی لاشاری)
	(۶ شخص) ستاک گذشته + ضمیر ۲-۹-

این مورد در گویش‌های لاری، خنجی، بندرعباسی، حاجی‌آبادی، نائینی و دری زردشتی دیده شده و مخصوص افعال متعدی است:

Om-sâxt	ساختم (لاری)
Oš-sâxt	ساخت (لاری)
Om-di	دیدم (خنجی)
Oš-di	دید (خنجی)
Om-go	گفتم (بندرعباسی)
i-go	گفت (بندرعباسی)
Om-puši	پوشیدم (حاجی‌آبادی)
eš-puši	پوشید (حاجی‌آبادی)
Mu-wat	گفتم (نائینی)
Šu-wat	گفت (نائینی)
Om-xa	خوردم (دری زردشتی)
Oš-xa	خورد (دری زردشتی)
	(۶ شخص) ستاک گذشته + ضمیر + پیشوند ۲-۱۰-

این مورد در گویش‌های ایبانه، کلیمیان اصفهان، کلیمیان بروجرد، کلیمیان همدان، خوانساری، واران‌ی و دلیجانی دیده شده و مخصوص افعال متعدی است:



Ba-m-vot	گفتم (ایبانه)
Va-y-vot	گفت (ایبانه)
Be-m-pušd	پوشیدم (کلیمیان اصفهان)
Be-š-pušd	پوشید (کلیمیان اصفهان)
Be-m-ferât	فروختم (کلیمیان بروجرد)
Be-š-ferât	فروخت (کلیمیان بروجرد)
Be—m-xort	خوردم (کلیمیان همدان)
Be-š-xort	خورد (کلیمیان همدان)
Be-m-bert	بردم (خوانساری)
Be-ž-bert	برد (خوانساری)
Be-m-did	دیدم (وارانی)
Be-š-did	دید (وارانی)
Hâ-m-dâ	دادم (دلیجانی)
Hâ-š-dâ	داد (دلیجانی)

(۶ شخص) ضمیر + ستاک گذشته + پیشوند -۱۱-۲

این ساخت در گویش‌های افتری، تاتی تاکستان و سمنانی از افعال متعدی به‌کار می‌رود و

در گویش کاخک هم در افعال لازم و هم در افعال متعدی کاربرد دارد:

be- t- om	گفتم (افتری)
be- t- oš	گفت (افتری)
be- d- em	کاشتم (تاتی تاکستان)
be- d- eš	کاشت (تاتی تاکستان)
be- vât- an	زدم (سمنانی)
be- vât - eš	زد (سمنانی)
be- t- om	رفتم (کاخک)



be- t- eš	رفت (کاخک)
bi-y-rd- om	آوردم (کاخک)
bi-y-rd-eš	آورد (کاخک)

۳- انواع ساخت گذشته نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی

ساخت گذشته نقلی را در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی مورد بررسی به انواع زیر تقسیم می‌کنیم:

(۵ شخص) شناسه + اسم مفعول + پیشوند ۳-۱-

(سوم شخص مفرد) \emptyset + اسم مفعول + پیشوند

این ساخت را در گویش‌های سبزواری و دماوندی در افعال لازم و متعدی و در گویش

کلیمیان اصفهان و خوانساری در افعال لازم می‌توان مشاهده کرد:

bo-xârda-yom	خورده‌ام (سبزواری)
bo-xârda- \emptyset	خورده است (سبزواری)
ba-duخته-m	دوخته‌ام (دماوندی)
ba-duخته- \emptyset	دوخته است (دماوندی)
be-garta-un	گشته‌ام (کلیمیان اصفهان)
be-garta- \emptyset	گشته است (کلیمیان اصفهان)
be-broftey-ân	گریه کرده‌ام (خوانساری)
be-broftey- \emptyset	گریه کرده است (خوانساری)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۳-۲-

(سوم شخص مفرد) \emptyset + اسم مفعول + پیشوند

این ساخت را در گویش‌های شاهرودی و گیلکی املشی در افعال لازم و متعدی و در

گویش دری زردشتی و نائینی در افعال لازم می‌توان دید:

Bo-xord-om	خورده‌ام (شاهرودی)
Bo-xorde- \emptyset	خورده است (شاهرودی)

Bu-xond-am خوانده‌ام (گیلکی املشی)

Bu-xonde-ø خوانده است (گیلکی املشی)

i-našt-e نشست‌ام (دری زردشتی)

i-našta-ø نشست است (دری زردشتی)

Hε-nigišt-i نشست‌ام (نائینی)

Hε-nigište-ø نشست است (نائینی)

(۵ شخص) شناسه + اسم مفعول مرخم + پیشوند ۳-۳-

(سوم شخص مفرد) +ø اسم مفعول + پیشوند

این مورد را در سمنانی می‌توان دید که مخصوص افعال لازم است:

Be-šič-un رفته‌ام (سمنانی)

Be-šiči-ø رفته است (سمنانی)

(۵ شخص) شناسه + اسم مفعول + پیشوند ۳-۴-

(سوم شخص مفرد) (گونه‌هایی از «راست») +e/a اسم مفعول + پیشوند

این مورد را در گویش‌های قاینی و تاتی ینگلی امام در افعال لازم و متعدی می‌توان دید:

Bo-xârde-yom خورده‌ام (قاینی)

Bo-xârde-ye خورده است (قاینی)

Be-xerdi-yam خورده‌ام (تاتی ینگلی امام)

Be-xerdi-ya خورده است (تاتی ینگلی امام)

(۵ شخص) شناسه + اسم مفعول + پیشوند ۳-۵-

(سوم شخص مفرد) جنس مونث / +ø اسم مفعول + پیشوند

این ساخت در گویش‌های ایبانه، تاتی تاکستان و وارانگی در افعال لازم دیده شده است:

Ba-štâ-on رفته‌ام (ایبان)

Ba-štâ-ø رفته است مذکر (ایبانه)

Ba-štâ-a رفته است مؤنث (ایبانه)

â-nište-ym	نشسته‌ام (تاتی تاکستان)
â-ništi-ø	نشسته است مذکر (تاتی تاکستان)
â-ništi-yâ	نشسته است مؤنث (تاتی تاکستان)
hâ-xote-yom	خواهیده‌ام (وارانی)
hâ-xotu-ø	خواهیده است مذکر (وارانی)
hâ-xote-se	خواهیده است مؤنث (وارانی)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته ۳-۶-

(سوم شخص مفرد) +ø اسم مفعول

این مورد در گویش‌ها یا لهجه‌های تویسرکانی، همدانی، ورامینی، سیرجانی و تهرانی در افعال لازم و متعدی به کار می‌رود. لازم به توضیح است که جای تکیه در این گونه افعال معمولاً بر روی آخرین هجا قرار می‌گیرد:

Bast-am	بسته‌ام (تویسرکانی)
Baste-ø	بسته است (تویسرکانی)
Basd-am	بسته‌ام (همدانی)
Based-ø	بسته است (همدانی)
Goft-om	گفته‌ام (ورامینی)
Gofte-ø	گفته است (ورامینی)
Pušid-av	پوشیده‌ام (سیرجانی)
Pušide-ø	پوشیده است (سیرجانی)
Xord-am	خورده‌ام (تهرانی)
Xorde-ø	خورده است (تهرانی)

(۵ شخص) شناسه + اسم مفعول ۳-۷-

(سوم شخص مفرد) +ø اسم مفعول

این مورد در زابلی در افعال لازم و متعدی و در لری بهبهانی در افعال لازم دیده شده است:

Xârda-o-xârdâ	خورده‌ام (زابلی)
Xârda-ø	خورده است (زابلی)
Šase-yam	نشسته‌ام (لری بهبهانی)
Šase-ø	نشسته است (لری بهبهانی)
	(۵ شخص) شناسه + اسم مفعول (مرخم) ۳-۸-
	(سوم شخص مفرد) +sø اسم مفعول

این ساخت در اصفهانی، لنجانی و نجف‌آبادی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

pušid-am	پوشیده‌ام (اصفهانی)
pušide-y	پوشیده‌ای (اصفهانی)
pušide-s/ø	پوشیده است (اصفهانی)
šenoft-am	شنیده‌ام (لنجانی)
šenofts-y	شنیده‌ای (لنجانی)
šenoft- s/ø	شنیده است (لنجانی)
Xord-am	خورده‌ام (نجف‌آبادی)
Xorde-y	خورده‌ای (نجف‌آبادی)
Xorde-s/ø	خورده است (نجف‌آبادی)
	(۵ شخص) شناسه + اسم مفعول ۳-۹-
	(سوم شخص مفرد) +ast اسم مفعول

این مورد در فارسی معیار و تاجیکی در افعال لازم و متعدی وجود دارد:

Xorde- am	خورده‌ام (فارسی معیار)
Xorde-ast	خورده است (فارسی معیار)
Gufta-am	گفته‌ام (تاجیکی)
Gufta-ast	گفته است (تاجیکی)
	(۵ شخص) گونه‌ای از «است» +a شناسه + ستاک گذشته ۳-۱۰-



(سوم شخص مفرد) +a اسم مفعول

این ساخت در گویش‌های کردی کلیائی، کردی کرمانشاه و لکی خواجهوندی کلاردشت در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

Xwârd-em-a خورده‌ام (کردی کلیائی)

Xwârde-ya خورده است (کردی کلیائی)

Wat-em-a گفته‌ام (کردی کرمانشاه)

Wait-ya گفته است (کردی کرمانشاه)

Vârd-em-a خورده‌ام (لکی خواجهوندی کلاردشت)

Vârde-ya خورده است (لکی خواجهوندی کلاردشت)

(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») +a شناسه + اسم مفعول ۳-۱۱-

(سوم شخص مفرد) +a اسم مفعول

این مورد در تالشی طاسکوه ماسال در افعال لازم دیده شده است:

Šay-m-a رفته‌ام (تالشی طاسکوه ماسال)

Šay-a-ša رفته است (تالشی طاسکوه ماسال)

(۵ شخص) شناسه + اسم مفعول ۳-۱۲-

(۵ شخص مفرد) (گونه‌ای از «است») +a اسم مفعول

این مورد در کردی مهاباد در افعال لازم دیده شده است:

Kawtū-m افتاده‌ام (کردی مهاباد)

Kawtū-wa افتاده است (کردی مهاباد)

(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») +e/a/en شناسه + ستاک گذشته ۳-۱۳-

(سوم شخص مفرد) +e/a/en +ø ستاک گذشته

این ساخت را در گویش‌های کردی روستای حریر، بندرعباسی، لکی دره‌شهر و لکی کاکاوندی قزوین در افعال لازم و در گویش‌های لری بختیاری مسجد سلیمان و لری بویراحمد در افعال لازم و متعدی می‌توان مشاهده کرد:



Dawi-m-a	دویده‌ام (کردی روستای حریر)
Dawi-ø-ya	دویده است (کردی روستای حریر)
Nešt-am-(ex)	نشسته‌ام (بندرعباسی)
Nešt-ø-ex	نشسته است (بندرعباسی)
Hât-m-a	آمده‌ام (لکی دره‌شهر)
Hât-ø-a	آمده است (لکی دره‌شهر)
Bi-m-a	بوده‌ام (لکی کاکاوندی قزوین)
Bi-ø-ya	بوده است (لکی کاکاوندی قزوین)
Go-om-e	گفته‌ام (لری بختیاری مسجد سلیمان)
Go-ø-e	گفته است (لری بختیاری مسجد سلیمان)
Xond-em-e	خوانده‌ام (لری بویراحمد)
Xond-ø-e	خوانده است (لری بویراحمد)
	(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») +e شناسه + ستاک گذشته -۱۴-۳
	(سوم شخص مفرد) +ak +ø ستاک گذشته
	این مورد در گویش لری بختیاری اردل در افعال لازم و متعدی دیده شده است:
Xard-om-e	خورده‌ام (لری بختیاری اردل)
Xard-ak-ø	خورده است (لری بختیاری اردل)
	(۵ شخص) شناسه +eg + ستاک گذشته + (پیشوند) -۱۵-۳
	(سوم شخص مفرد) (گونه‌هایی از «است») +eg+e/a ستاک گذشته + (پیشوند)
	این مورد در گویش‌های بلوچی لاشاری و کردی سنندج در افعال لازم دیده شده است:
Nest-eg-om	نشسته‌ام (بلوچی لاشاری)
Nest-eg-e	نشسته است (بلوچی لاشاری)
Da-nīšt-eg-em	نشسته‌ام (کردی سنندج)
Da-nīšt-eg-a	نشسته است (کردی سنندج)

(۵ شخص) شناسه +agi + ستاک گذشته -۱۶-۳

(سوم شخص مفرد) +agi+ast ستاک گذشته

این مورد در لهجه‌ای از تاجیکی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

Xurd-agi-yam خورده‌ام (تاجیکی)

Xurd-agi-yast خورده است (تاجیکی)

(۵ شخص) شناسه +st +sg + ستاک گذشته -۱۷-۳

(سوم شخص مفرد) +st +sg + ستاک گذشته

این مورد نیز در لهجه‌ای از تاجیکی و در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

Xurd-agi-st-am (شاید) خورده‌ام (تاجیکی)

Xurd-agi-st-∅ (شاید) خورده است (تاجیکی)

(۵ شخص) شناسه +ess/est + ستاک گذشته -۱۸-۳

(سوم شخص مفرد) +ess/est + ستاک گذشته

این ساخت در گویش‌های حاجی‌آبادی و لاری در افعال لازم دیده شده است:

Nešt-est-om نشسته‌ام (حاجی‌آبادی)

Nešt-est-∅ نشسته است (حاجی‌آبادی)

Xat-ess-em خوابیده‌ام (لاری)

Xat-ess-∅ خوابیده است (لاری)

(۵ شخص) شناسه +est + ستاک گذشته -۱۹-۳

(سوم شخص مفرد) +∅ اسم مفعول

این مورد در گویش خنجی در افعال لازم دیده شده است:

Ond-est-om آمده‌ام (خنجی)

Onde-∅ آمده است (خنجی)

(۵ شخص) شناسه +oh + ستاک گذشته -۲۰-۳

(سوم شخص مفرد) +∅ +o ستاک گذشته

این مورد در گویش جیرفتی در افعال لازم دیده شده است:

Nešt-oh-om نشسته‌ام (جیرفتی)

Nešt-o-ø نشسته است (جیرفتی)

(۶ شخص) ضمیر + اسم مفعول (مرخم) + پیشوند -۲۱-۳

این مورد در گویش‌های تاتی تاکستان، افتری و سمنانی در افعال متعدی و در کاخکی در

افعال لازم و متعدی دیده شده است:

Be-kerdi-m کاشته‌ام (تاتی تاکستان)

Be-kerdi-š کاشته است (تاتی تاکستان)

Be vâta-m گفته‌ام (افتری)

Be-vâta-(š) گفته است (افتری)

Bu-kkuvâč-an زده‌ام (سمنانی)

Bu-kkuvâčey-š زده است (سمنانی)

Be-raft-yom رفته‌ام (کاخک)

Be-raft-yeš رفته است (کاخک)

(۶ شخص) اسم مفعول + ضمیر + پیشوند -۲۲-۳

این مورد در گویش‌های ایبانه، کلیمیان اصفهان، کلیمیان بروجرد، کلیمیان همدان، خوانساری

و وارانگی در افعال متعدی دیده شده است:

Ba-m-votâ گفته‌ام (ایبانه)

Ba-y-votâ گفته است (ایبانه)

Be-m-pušde پوشیده‌ام (کلیمیان اصفهان)

Be-š-pušde پوشیده است (کلیمیان اصفهان)

Be-m-ferâte فروخته‌ام (کلیمیان بروجرد)

Be-š-ferâte فروخته است (کلیمیان بروجرد)

Be-m-xorte خورده‌ام (کلیمیان همدان)



Be-š-xorte	خورده است (کلیمیان همدان)
Be-m-xortey	خورده‌ام (خوانساری)
Be-ž-xortey	خورده است (خوانساری)
Be-m-dido	دیده‌ام (وارانی)
Be-š-dido	دیده است (وارانی)

(۶ شخص) اسم مفعول + پیشوند + ضمیر -۲۳-۳

این مورد در دری زردشتی یزد دیده شده است و مخصوص افعال متعدی است:

m-i-xarta	خورده‌ام (دری زردشتی)
Š-i-xarta	خورده است (دری زردشتی)

(۶ شخص) اسم مفعول + ضمیر -۲۴-۳

این ساخت در گویش‌های نائینی، خنجی و لاری در افعال متعدی دیده شده است:

Mī-riyε	خریده‌ام (نائینی)
šī-riyε	خریده است (نائینی)
Om-dede	دیده‌ام (خنجی)
Oš-dede	دیده است (خنجی)
Om-dede	دیده‌ام (لاری)
ošdede	دیده است (لاری)

(۶ شخص) (گونه‌ای از «است») + en ستاک گذشته + ضمیر -۲۵-۳

این مورد در حاجی‌آبادی و بندرعباسی در افعال متعدی دیده شده است:

Om-pušid-en	پوشیده‌ام (حاجی‌آبادی)
Oš-pušid-en	پوشیده است (حاجی‌آبادی)
Om-goft-en	گفته‌ام (بندرعباسی)
i-goft-en	گفته است (بندرعباسی)

(۶ شخص) (گونه‌هایی از «است») + a/en + ضمیر + اسم مفعول -۲۵-۳

این مورد در کردی مهاباد، تالشی طاسکوه ماسال و لری بهبهانی در افعال متعدی دیده شده است:

Hênâw-m-a	آورده‌ام (کردی مهاباد)
Hênâw-î-ya	آورده است (کردی مهاباد)
Vinda-m-a	دیده‌ام (تالشی طاسکوه ماسال)
Vinda-š-a	دیده است (تالشی طاسکوه ماسال)
Esede-m-en	گرفته‌ام (لری بهبهانی)
Esede-š-en	گرفته است (لری بهبهانی)

(۶ شخص) (گونه‌هایی از «است») +a/ene + ضمیر + ستاک گذشته ۳-۲۷-

این ساخت در کردی روستای حریر، لکی کاکاوندی قزوین، لکی دره‌شهر و جیرفتی در افعال متعدی دیده شده است:

Xwârd-em-a	خورده‌ام (کردی روستای حریر)
Xwârd-e-ya	خورده است (کردی روستای حریر)
wârd-em-a	خورده‌ام (لکی کاکاوندی قزوینی)
wârd-e-ya	خورده است (لکی کاکاوندی قزوین)
Dâšt- m-a	داشته‌ام (لکی دره‌شهر)
Dâšt-i-ya	داشته است (لکی دره‌شهر)
Ywar(d)-m-ene	خورده‌ام (جیرفتی)
Xowar(d)-š-ene	خورده است (جیرفتی)

(۶ شخص) ضمیر + eg + ستاک گذشته ۳-۲۸-

این مورد در بلوچی لاشاری در افعال متعدی دیده شده است:

Wart-eg-om	خورده‌ام (بلوچی لاشاری)
Wart-eg-i	خورده است (بلوچی لاشاری)

(۶ شخص) (گونه‌ای از «است») +a + ضمیر + eg + ستاک گذشته ۳-۲۹-

این مورد در کردی سنندج در افعال متعدی دیده شده است:

Xwârd-eg-m-a	خورده‌ام (کردی سنندج)
Xwârd-eg-y-a	خورده است (کردی سنندج)
	(۶ شخص) ضمیر + agi + ستاک گذشته -۳-۳۰
	این مورد در لهجه‌ای از تاجیکی در افعال متعدی دیده شده است.
Zad-agi-yam	زده‌ام (تاجیکی)
Zad-agi-yaš	زده است (تاجیکی)
	(۶ شخص) agi + ستاک گذشته + ضمیر آزاد -۳-۳۱
	این مورد نیز در لهجه‌ای از تاجیکی در افعال متعدی دیده شده است:
Man zad-agi	زده‌ام (تاجیکی)
Vay zad-agi	زده است (تاجیکی)

۴- ساخت‌های یکسان برای گذشته ساده و گذشته نقلی

در گویش‌های مورد بررسی، ساخت‌های زیر هم برای گذشته ساده و هم برای گذشته نقلی، به کار می‌روند و دارای انواع زیرند:

	(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته -۴-۱
	(سوم شخص مفرد) \emptyset + ستاک گذشته
	این مورد در لهجه‌های بافتی و زرنندی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:
Kâšt-am	کاشتم، کاشته‌ام (بافتی)
Kâšt- \emptyset	کاشت، کاشته است (بافتی)
Xord-am	خوردم، خورده‌ام (زرنندی)
Xord- \emptyset	خورد، خورده است (زرنندی)
	(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند -۴-۲
	(سوم شخص مفرد) \emptyset + اسم مفعول + پیشوند

این ساخت در گویش کلیمیان بروجرد و کلیمیان همدان در افعال لازم و در بسیاری از گویش‌های کرانه دریای مازندران از جمله تنکابنی، آملی، ساروی، کلاردشتی، سوادکوه، گیلکی حسن کیاده، رشت و دستک در افعال لازم و متعدی به کار می‌رود:

Be-šd-om	رفتم، رفته‌ام (کلیمیان بروجرد)
Be-šdo-ø	رفتم، رفته است (کلیمیان بروجرد)
Be-mund-ân	ماندم، مانده‌ام (کلیمیان همدان)
Be-mundu-ø	ماندم، مانده است (کلیمیان همدان)
Bo-xârd-om	خوردم، خورده‌ام (مازندرانی تنکابنی)
Bo-xârd-ø	خوردم، خورده است (مازندرانی تنکابنی)
Ba-xrd-m	خوردم، خورده‌ام (مازندرانی آمل)
Ba-xrd-ø	خوردم، خورده است (مازندرانی آمل)
Ba-xord-eme	خوردم، خورده‌ام (مازندرانی ساری)
Ba-xord-ø	خوردم، خورده است (مازندرانی ساری)
Ba-xord-eme	خوردم، خورده‌ام (مازندرانی کلاردشت)
Ba-xorde-ø	خوردم، خورده است (مازندرانی کلاردشت)
De-kâšt-eme	کاشتم، کاشته‌ام (مازندرانی سوادکوه)
De-kâšte-ø	کاشت، کاشته است (مازندرانی سوادکوه)
Bu-xond-am	خواندم، خوانده‌ام (گیلکی حسن کیاده)
Bu-xonda-ø	خواند، خوانده است (گیلکی حسن کیاده)
Bu-xund-m	خوردم، خورده‌ام (گیلکی رشت)
Bu-xund-ø	خورد، خورده است (گیلکی رشت)
Bu-xord-am	خوردم، خورده‌ام (گیلکی دستک)
Bu-xord-ø	خورد، خورده است (گیلکی دستک)

(۵ شخص) شناسه + (e)št + ستاک گذشته + پیشوند -۳-۴



Ø + اسم مفعول + پیشوند

این مورد در گویش افتری در افعال لازم دیده شده است:

Be-nerâ-št-i نشستم، نشسته‌ام (افتری)

Be-nerâa-ø نشست، نشسته است (افتری)

(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») + e شناسه + اسم مفعول -۴-۴

+ e اسم مفعول

این مورد در تالشی میرزاق اردبیل در افعال لازم دیده شده است:

Nešta-m(e) نشستم، نشسته‌ام (تالشی میرزاق اردبیل)

Nešta-(ye) نشست، نشسته است (تالشی میرزاق اردبیل)

(۶ شخص) (گونه‌ای از «است») + e ضمیر + اسم مفعول -۵-۴

این مورد نیز در تالشی میرزاق اردبیل در افعال متعدی دیده شده است:

Hârda-m-e خوردم، خورده‌ام (تالشی میرزاق اردبیل)

Hârda-š-e خورد، خورده است (تالشی میرزاق اردبیل)

نتیجه‌گیری

از بررسی ساخت‌های گذشته ساده و گذشته نقلی در s. لهجه و گویش ایرانی می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- بعضی از لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز مانند فارسی میانه برای ساخت گذشته نقلی از صورت‌هایی از فعل *estâdan* (ایستادن) استفاده می‌کنند، مانند *-st, -est, ess, št, est*. نگاه کنید به شماره‌های ۱۷-۳ تا ۱۹-۳ و ۳-۴.

۲- در حالی که فارسی میانه تنها ۲ ساخت برای گذشته ساده و ۲ ساخت برای گذشته نقلی دارد لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز که مورد بررسی قرار گرفته‌اند ۱۱ ساخت برای گذشته ساده، ۳۱ ساخت برای گذشته نقلی و ۵ ساخت مشترک برای گذشته ساده و گذشته نقلی دارند. نگاه کنید به شماره‌های ۱-۱ تا ۴-۱، ۲-۱ تا ۱۱-۲، ۳-۱ تا ۳۱-۳ و ۴-۱ تا ۵-۴.

۳- بعضی از گویش‌ها مانند فارسی میانه تنها افعال متعدی را به صورت ارگتیو بیان می‌کنند، مانند کلیمیان اصفهان، کلیمیان همدان، کلیمیان بروجرد، خوانساری، دلجان، ایبانه، تاتی تاکستان، سمنانی، واران، تالشی طاسکوه ماسال، جیرفتی، افتری، لکی دره شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لری بهبهانی، کردی مهاباد، کردی روستای حریر، کردی سنندج، بلوچی لاشاری، لاری، خنجی، بندرعباسی، حاجی‌آبادی، نائینی، دری زردشتی و بعضی از لهجه‌های تاجیکی ولی بعضی مانند گویش کاخک هم افعال لازم و هم افعال متعدی را با ساخت ارگتیو می‌سازند. نگاه کنید به شماره‌های ۲-۱۱ و ۳-۲۱.

۴- تنها بعضی از گویش‌ها برای ساخت گذشته ساده از پیشوند تصریف استفاده می‌کنند. نگاه کنید به شماره‌های ۲-۱ تا ۲-۳ و ۲-۱۰ و ۲-۱۱.

۵- تنها بعضی از گویش‌ها برای ساخت گذشته نقلی از پیشوند تصریفی استفاده می‌کنند. نگاه کنید به شماره‌های ۳-۱ تا ۳-۵ و ۳-۲۱ تا ۳-۲۳.

۶- نشانه جنس تنها در گویش‌های دلجان، ایبانه، تاتی تاکستان، سمنانی و واران دیده شده است. نگاه کنید به شماره‌های ۲-۲ و ۳-۵.

۷- شناسه سوم شخص مفرد در گذشته ساده همه لهجه‌ها و گویش‌های مورد بررسی صفر است، به جز آنهایی که به جای شناسه از ضمیر استفاده می‌کنند. نگاه کنید به شماره‌های ۲-۱ تا ۲-۶.

۸- پسوند *-ak* پس از ستاک گذشته تنها در گویش زابلی، لری بختیاری اردل و لهجه ورامین دیده شده است که می‌توان آن را نوعی پسوند اسم مفعول ساز دانست. نگاه کنید به شماره‌های ۳-۲، ۲-۴ و ۳-۱۴.

۹- پسوندهای *-o(h)*, *-agi*, *-eg* که پس از ستاک گذشته می‌آیند نیز نوعی پسوند اسم مفعول ساز هستند. نگاه کنید به شماره‌های ۳-۱۵ تا ۳-۱۷، ۳-۲۰ و ۳-۲۸ تا ۳-۳۱.

۱۰- تنها در لهجه‌ای از تاجیکی کاربرد ضمیر آزاد به جای ضمیر پیوسته دیده شده است. نگاه کنید به شماره ۳-۳۱.

۱۱- پسوند *-a* که گونه‌ای «است» می‌باشد تنها در گذشته ساده تالشی طاسکوه ماسال در افعال لازم و متعدی دیده شده است. نگاه کنید به ۲-۶ و ۲-۷.



۱۲- در گذشته نقلی، تنها بعضی از گویش‌ها از گونه‌ای از «است» به صورت‌های *-ast, -s, -ene*، *-a, -e, -en* استفاده می‌کنند. نگاه کنید به شماره‌های ۳-۴، ۳-۸ تا ۳-۱۶، ۳-۲۵ تا ۳-۲۷ و ۳-۲۹. ۱۳- گروهی از لهجه‌ها و گویش‌ها در گذشته نقلی به جای اسم مفعول از ستاک گذشته استفاده می‌کنند. نگاه کنید به شماره‌های ۳-۲، ۳-۶، ۳-۱۰، ۳-۱۳ تا ۳-۲۰، ۳-۲۵ تا ۳-۲۷ و ۳-۳۱. ۱۴- گویش‌ها و لهجه‌هایی که برای گذشته ساده و گذشته نقلی ساخت‌های یکسان دارند، معادل این ساخت‌ها را می‌توان در ساخت‌های متفاوت گذشته ساده و گذشته نقلی یافت. به شماره‌های زیر توجه شود:

۲-۵	معادل	۴-۱
۳-۲	معادل	۴-۲
۳-۱۹	معادل	۴-۳
۳-۱۱	معادل	۴-۴
۳-۲۶	معادل	۴-۵

۱۵- با توجه به معادله فوق درباره لهجه‌های بافتی و زرندی که در گروه شماره ۴-۱ قرار دارند می‌توان چنین اظهار داشت که این لهجه‌ها ساخت گذشته نقلی ندارند و به جای آن از گذشته ساده استفاده می‌کنند.

۱۶- و بالاخره با توجه به معادله فوق درباره گویش‌های کلیمیان بروجرد، کلیمیان همدان و افتری (در مورد افعال لازم) و بسیاری از گویش‌های کرانه خزر و تالشی میرزاق اردبیل (در مورد افعال لازم و متعدی) می‌توان چنین ادعایی کرد که این گویش‌ها گذشته نقلی دارند و آنچه ندارند گذشته ساده است که به جای آن از گذشته نقلی استفاده می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی از ساخت ارگتیورک. ایران کلباسی (۱۳۶۷ب)، ص ۷۰-۸۷.
۲. برای اطلاع از ساخت کامل فعل در فارسی میانه نگاه کنید به ژاله آموزگار و احمد تفضلی (۱۳۷۳)، ص ۶۶-۶۸.

منابع



- آذری، فروغ، بررسی مقایسه‌ای لهجه نجف‌آبادی و اصفهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده)، ۷۹-۱۳۷۸.
- آموزگار، ژاله و احمد تقضلی، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۳.
- آهنی، محمدرضا، بررسی گویش ابیانه از توابع نطنز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۷۳-۱۳۷۲.
- ابوظالب، آذر، بررسی گویش تاتی در نیگی امام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۷۳-۱۳۷۲.
- اسفندیاری، مرتضی، توصیف ساختمان فعل در گویش کردی کلیاتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۷۴-۱۳۷۳.
- اشرفی خوانساری، مرتضی، «ویژگی‌های افعال در گویش خوانساری»، ارائه شده در همایش گویش‌شناسی فرهنگستان زبان ایران (چاپ نشده)، ۱۳۸۰.
- امیریان بودالال، ربابه، گویش تالشی میزانتق استان اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده)، ۸۰-۱۳۷۹.
- پناهی سمنانی، محمد احمد، آداب و رسوم مردم سمنان، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴.
- پورعابدی نائینی، حسن، گویش نائینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۷۲.
- پورمند، خیرالله، بررسی گویش لکی دره‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۷۴-۱۳۷۳.
- پولادی درویش، میترا، توصیف ساختمان فعل در گویش بهنجان مرکز شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده)، ۷۹-۱۳۷۸.
- جعفری، محمدجواد، بررسی گویش سوادکوهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده)، ۷۴-۱۳۷۳.
- جلالی امام، سیده لعیا، بررسی گویش املشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده)، ۸۰-۱۳۷۹.
- جلالی، واله، مقایسه دو لهجه بافتی و زرنندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده)، ۸۰-۱۳۷۹.
- حلیمی، عبدالعظیم، بررسی گویش شاهرودی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۷۳-۱۳۷۲.
- خنجی، لطفعلی، دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی، انتشارات دانشنامه فارس.
- ذوالفقاری، سیما، گویش بختیاری مسجد سلیمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (چاپ نشده)، ۱۳۷۶.
- زمردیان، رضا، بررسی گویش قاین، انتشارات آستان قدس (معاونت فرهنگی)، ۱۳۶۸.
- ساداتی، سیدمجید، بررسی گویش دماوندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۷۴.



- سرمست دستک، داود، گویش گیلکی حسن کياده (کياشهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده)، ۱۳۷۱.
- سلطانی‌نژاد، فرشته، مقایسه گونه‌های زبانی بافتی و جیرفتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده)، ۱۳۷۹.
- سمائی، سیدمهدی، بررسی گویش تنکابن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۷۰.
- شکری، گیتی، گویش ساری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴.
- شهیدی، اشرف‌السادات، بررسی دو گونه حاجی‌آبادی و سیرجانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده)، ۸۰-۱۳۷۹.
- شیرزادی تبار، بهرام، گویش کردی کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۷۵-۱۳۷۴.
- صفری، حسین، واژه‌نامه راجی، گویش دلچیان، ناشر، مؤلف، ۱۳۷۳.
- طاهری، عباس، گویش تاتی تاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (چاپ نشده)، ۱۳۷۰.
- عبدی، رضا، بررسی گویش بختیاری گونه اردل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۷۵-۱۳۷۴.
- عرب محمدحسینی، مریم، لهجه ورامین (پیشوا)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده)، ۸۰-۱۳۷۷.
- فتحی، آذر، ساخت فعل در گویش بندرعباسی (لهجه محله پشت شهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، (چاپ نشده)، ۱۳۷۱.
- فلاح، علی محمد، گروه‌های نحوی در گویش آملی (مازندرانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، (چاپ نشده)، ۸۰-۱۳۸۰.
- کاکاوند، جهانگیر، بررسی گویش لکی کاکاوندی قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۷۱-۱۳۷۰.
- کلباسی، ایران، گویش کردی مهاباد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- _____، الف، «دستگاه فعل در گویش لاری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۱، ش ۱، ص ۱۴۵-۱۷۰، ۱۳۶۷.
- _____، ب، «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله زبان‌شناسی، سال ۵، ش ۲، ص ۷۰-۸۷، ۱۳۶۷.
- _____، فارسی اصفهانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰.
- _____، «تنوع لهجه‌ها در گویش گیلکی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۵، ش ۴، ص ۹۳۴-۹۷۶، ۱۳۷۱.
- _____، گویش کلیمیان اصفهان (یک گویش ایرانی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____، الف، «مقایسه‌ای میان گویش‌های کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه»، مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۵، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۵۹-۸۰، ۱۳۷۴.
- _____، ب، فارسی ایران و تاجیکستان (یک بررسی مقابله‌ای)، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.



- _____، «شناسه سوم شخص مفرد در مصادر فارسی»، فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی) سال ۹، ش ۱، ص ۲۷، ۱۳۷۵.
- _____، الف، گویش کلاردشت (رودبارک)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶.
- _____، ب، «تحلیل فعل ایرانی با دیدی نو»، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد*، سال ۳۰، ش ۱ و ۲، ص ۵۵، ۱۳۷۶.
- محمدی آشیانی، فضل‌الله، *مقایسه گویش لنجان اصفهان با فارسی رسمی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۷۰.
- مخائی، یحیی، *بررسی گویش سکوه‌های شیب آبی زابلی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۷۴.
- مرتضوی، سیدمحمدباقر، *بررسی و تحلیل واج‌شناختی و دستوری گویش بهبهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۷۴.
- مقیمی، افضل، *بررسی گویش بویراحمد*، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۳.
- مولوی کاخکی، حسن، *بررسی ساختمان دستوری گویش مردم کاخک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۶۸-۱۳۶۷.
- میرچراغی، سیدفرهود، *ساختمان دستوری گویش لکی یا خواجهوندی کلاردشت*، انتشارات پرهام نشر، ۱۳۶۹.
- میرزاییگی، جهانشاه، *ساختمان فعل در گویش کردی روستای حریر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۶۸.
- نژادصاحبی، علی‌رضا، *بررسی گویش سبزوار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۷۳.
- نغزگوی کهن، مهرداد، *بررسی گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۷۳.
- ولائی، هما، *مقایسه دو لهجه همدانی و تویسرکانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده)، ۷۹-۱۳۷۸.
- همایون، همدخت، *گویش اتری*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- یوسفیان، پاکزاد، *گویش بلوچی لاشاری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده)، ۱۳۷۱.
- Sahim, Haideh, "The dialect of the fews of Hamedan", in *Irano-Judaica III*, p. 171-181, 1994.
- Yarshater, Ehsan, "The dialect of Borujerd fews", in *AIO*, Edena curaverunt L. De meyer et E. Haerincq, II, p. ID30-1045, 1989.